



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

شبیانی

حضرت محمد (ص)

ابراہیم سید علوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شبانی حضرت محمد (ص)

نویسنده:

ابراهیم سیدعلوی

ناشر چاپی:

مشکوه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	شبان‌ی حضرت محمد (ص)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	شبان‌ی و دامداری
۷	شبان‌ی و اجیری برای دیگران
۹	شبان‌ی و رسالت
۱۱	محمد اجیر قریش
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شبانی حضرت محمد (ص)

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۷۹-۸۶۰۱

سرشناسه: سیدعلوی ابراهیم

عنوان و نام پدیدآور: شبانی حضرت محمد (ص) / سیدعلوی ابراهیم

منشأ مقاله: ، مشکوه ش ۶۲ - ۶۵، (۱۳۷۸): ص ۳۰۴ - ۳۱۶.

توصیفگر: محمد (ص)، پیامبر اسلام

توصیفگر: شیوه زندگی

توصیفگر: پیامبران

مقدمه

شبانی و دامداری از روزگاران کهن از جمله اشتغالات و حرفه‌های رایج جامعه بشری بویژه در اجتماعات بدوی و روستایی بوده است. هر خانواده به طور طبیعی تعدادی، هر چند اندک، دام (گوسفند، گاو، شتر و غیره) با مقاصد اقتصادی و معیشتی نگاهداری می‌کرده و معمولاً نوجوانان و جوانان، آنها را به چراگاه و مراتع می‌برده و شبانگاه به روستا برمی‌گردانده‌اند و حتی گاهی به سبب زیادی دام و فقدان نیروی انسانی کافی در درون خانواده، فرد و یا افرادی را به اجیری و مزدوری می‌گرفته‌اند و آنان در برابر دریافت دستمزد دامداری و شبانی می‌کرده و از گاو و گوسفند و شتر، مراقبت می‌کرده‌اند. یکی از موضوعاتی که ناقلان اخبار و سیره‌نویسان، درباره زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله بدان پرداخته و سخنان نسبتاً فراوان در آن باره گفته و احیاناً در این زمینه از حدود ادب خارج شده‌اند موضوع چوپانی و شبانی آن حضرت در دوره نوجوانی و جوانی و پیش از بعثت است. از آن احادیث چنان برمی‌آید که ناقلان و قصه‌پردازان از این موضوع، اصلی کلی ساخته و پرداخته‌اند که بنا بر آن، گویا، همه پیامبران و رسولان حق تعالی باید دوره‌ای از عمر خویش را به شبانی بگذرانند تا برای تصدی امر خطیر رسالت شایستگی یابند! اما در این مقال، موضوع شبانی پیامبران را در چهار عنوان بررسی می‌کنیم: ۱- اصل شبانی و دامداری به عنوان وسیله امرار معاش و زندگی. ۲- اجیر شدن برای دیگری به همین هدف و مقصد. ۳- چوپانی پیامبران به طور عام و پیامبر اکرم صلوات الله علیه و علیهم اجمعین به طور خاص برای تمرین و یادگیری مسئولیت پیامبری و تحصیل برخی کمالات روحی و نفسانی. ۴- شبانی پیامبر اکرم برای مکیان و اجیر شدن او برای قریش به قصد تامین معاش و گذران زندگی.

شبانی و دامداری

تردیدی نیست که انسان از بدو پیدایی خود در روی زمین برای آن که زنده بماند به غذا و طعام نیاز داشته و برای سیر کردن شکم خود و تامین معیشت نیازمند کار و کوشش بوده است و طبیعی‌ترین کار در آن زمینه، کشاورزی و دامداری و امثال آن بوده است و انگهی پیامبران خدا، بعد بشری داشته و از این نظر مانند دیگر آحاد انسان برای زنده ماندن، کار و تلاش می‌کردند و احیاناً از طریق کشاورزی و گوسفندداری و شبانی، زندگی می‌گذرانده‌اند. ابراهیم خلیل الرحمان علی نبینا و آله علیه السلام با ساره دختر خاله‌اش ازدواج کرد. او که زنی ثروتمند و صاحب گوسفندان فراوان بود، همه آنها را در اختیار ابراهیم علیه السلام قرار داد و او با

سر و سامان دادن به آنها و حسن نگهداری، مال و منال فراوان به دست آورد و در شهر کوثا وضع هیچ کس بهتر از او نبود. [۱]

درباره شبانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایات متعددی نقل شده است. جابر بن عبدالله گوید: در مرالظهران نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم در حالی که گوسفند و قوچ می چرانید. پیامبر فرمود: بر شما باد گوسفند سیاه که پاکیزه تر است. پرسیدند: آیا شما گوسفند شبانی کرده‌اید؟ فرمود: آری، و هل نبی الا رعاها: آیا پیامبری بوده که گوسفند چرانی نکند؟! [۲]. از عمار رضی الله عنه نقل شده که گفت: روزی گوسفندان خانواده‌ام را به چرا برده بودم و محمد صلی الله علیه و آله هم شبانی می کرد به آن جناب گفتم: آیا مایل هستی تا به فسخ برویم که آن جا مرتع و سبزه‌زاری درخشانده و نیکو است؟ پیامبر فرمود: آری برویم. فردای آن روز به آن جا رفتم. محمد صلی الله علیه و آله پیش از من به آن جا رسیده بود اما گوسفندان را از آن مرتع و علفزار دور نگاه داشته و نمی گذاشت وارد چراگاه شوند تا مرا دید فرمود چون با تو قرار گذاشته بودم خوش نداشتم پیش از آمدن تو گوسفندان را بچرانم. [۳]. طبرسی در تفسیر آیه «و منهم من یلمزک فی الصدقات...» (توبه ۵۸): «و برخی از آنان در خصوص صدقه‌ها و زکات، بر تو طعنه می زنند و خرده می گیرند» می نویسد: رسول خدا غنایم جنگ حنین را قسمت می کرد. مردی پیش آمد و گفت: مگر فرمان خدا آن نیست که صدقات را به فقرا و بینوایان بدهید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، چنین است. آن مرد گفت: پس چرا همه آنها را به شبان‌ها و گوسفندچرانان می دهید؟ پیامبر اکرم فرمود: «ان نبی الله موسی کان راعی غنم: «پیامبر خدا موسی، گوسفندچران بود». وقتی آن مرد برگشت که برود رسول الله فرمودند: از این مرد برحذر باشید. [۴]. جابر از ابو جعفر باقر علیه السلام حکایت کرد که رسول اکرم فرمود: پیش از بعثت به گوسفندان و شترانی که به چراگاه برده بودم می نگرستم - و هیچ پیامبری نیست مگر آن که شبانی کرده است - می دیدم آن زبان بسته‌ها که آرام و در جای امن قرار داشتند و چیزی به ظاهر موجب رمیدن آنها نبود ناگهان بدون سبب و علت معلوم، آن گوسفندان و شتران از جا می پریدند و رم می کردند و من همواره در شگفت بودم و با خود می گفتم جریان چیست و سبب رمیدن آن زبان بسته‌ها کدام است؟ تا این که جبرئیل حدیث کرد که آن در نتیجه ضربتی است که در قبر بر کافر فرود می آید و جز انس و جن همه جانداران آن را احساس می کنند و صدای آن ضربت را می شنوند. پناه به خدا از عذاب و شکنجه قبر. [۵]. در نقلی دیگر داستان گونه و در زمینه شق صدر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین آمده است: داشتم گوسفندان را شبانی می کردم که گرگی پیدا شد گفتم تو در این جا چه می کنی؟ گفت: تو چه می کنی؟ گفتم: من گوسفندان را شبانی می کنم. گفت: تو راحت را بگیر و برو، من گوسفندان را جلو راندم گرگ در میان گوسفندان افتاد و ناگهان گوسفندی را بکشت... [۶]. به مفاد حدیث دیگر آن زمان که پیامبر سی و هفت ساله بوده و در میان کوه‌های مکه شبانی می کرده است مردی را می دیده که به وی نوید رسالت و پیامبری می دهد. [۷] و براساس حدیثی دیگر، آن وضع موقعی پیش آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله گوسفندان ابوطالب را به چرا می برده است. [۸]. ابوهیره روایت کرده که رسول خدا فرمود: «ما بعث الله عزوجل نبیا الا راعی غنم...» [۹]: خداوند عزوجل جز گوسفندچران را پیامبر نکرده است. این است نمونه‌ای از نقل‌های تاریخی و حدیث‌های داستان گونه مشعر بر این که پیامبران الهی و رسول اکرم صلی الله علیه و آله همگی برهه‌ای از عمر شریفشان را به شبانی و گوسفندچرانی سپری کرده‌اند و هر چند که سند برخی از آنها محل کلام و احیاناً متن آنها نیز آشفته است لیکن ما به لحاظ آن که ناممکن نیست که پیامبران و رسول گرامی ما در خانواده خود و برای اداره زندگی شخصی شبانی و گوسفندچرانی کرده باشند، از مناقشه در این باب چشم می پوشیم و به بحث دیگر که مهمتر است و در ترسیم سیمای درست از پیامبران خدا مؤثرتر است می پردازیم.

شبانی و اجیری برای دیگران

بحث دوم، شبانی پیامبران و رسول گرامی خدا و اجیر دیگران شدن است و در این باب، سخن از پیامبران با کلام از زندگانی

رسول‌الله صلی الله علیه و آله تفاوت دارد. زیرا در قرآن کریم درباره شبانی موسی برای شعیب علیهما السلام آیاتی صریح و روشن داریم مبنی بر این که موسی علیه السلام مدت ده سال اجیر شعیب علیه السلام شد تا برای او شبانی کند، و پس از انقضای مدت مقرر با همسرش راهی وطن خود شد و در طور سینا به رسالت و نبوت برانگیخته گردید. [۱۰]. به زعم ما هر انسانی برای اداره زندگی خود، باید کار و کوشش کند اعم از پیامبران و یا دیگران و شبانی و گوسفندداری برای خود و یا دیگری از جمله راههای تحصیل معیشت حلال است. و هیچ کار شرافتمندانه‌ای، ننگ و عار نیست لیکن این مسأله در محیط اشرافی مکه و درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرق می‌کند. قرآن مجید، پندار جاهلانه مشرکان مکه و جز آنان را که کار و کوشش را برای پیامبران عیب می‌دانستند و انتظار داشتند که آنان نخورند و برای زندگی روزمره خود تلاش نکنند به شدت محکوم کرده است. گفتند: این رسولان را چه شده که طعام می‌خورند و در بازارها راه می‌روند...؟ ما پیش از تو رسولانی نفرستادیم مگر آن که آنان طعام می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند. [۱۱]. سخن ویژه درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن است که اگر چه او ممکن است در خانواده خود و برای مادر رضاعی و یا جد و عموی شبانی کرده باشد لیکن او برای احدی به عنوان اجیر و مزدور شبانی و چوپانی نکرده است. یعقوبی در این باب کلامی شیوا و صریح دارد: «ولا كان اجيرا لاحد قط [۱۲]: او هرگز اجیر و مزدور کسی نشده است. به نظر می‌آید راز این نکته آن باشد که جاهلیت بر پندارهای واهی و تخیلات استکباری، کار و کارگر را تحقیر و توهین می‌کند چنان که یتیمان و مردمان بیکس در آن محیطها مورد بی‌توجهی و بی‌مهری شدید قرار می‌گرفتند. در نظامهای جاهلی، ثروتمندان غالبا از راه رباخواری و بهره‌کشی از زحمتکشان فربه‌تر می‌شوند و در همان حال کار و کارگر را تحقیر می‌کنند. و خداوند متعال خواسته است دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله را پیشاپیش خلع سلاح کند و جلو یابوهرایان مکه را بگیرد. در این جا ذکر این نکته لازم است که هر چند محمد صلی الله علیه و آله یتیم بوده لیکن خداوند متعال جدی مثل عبدالمطلب که وی را ابراهیم ثانی می‌خواند [۱۳] و نیز ابوطالب عموی بزرگوارش را به سرپرستی او گماشته است. و نیز اگر چه او از مال دنیا بهره زیادی نداشته است اما هرگز به مشرکان مکه نیز محتاج نبوده است و این همان نکته‌ای است که خصم در طی قصه‌پردازی، آن را جاسازی کرده است. ابوهریره می‌گوید: خداوند با عزت و جلالت، جز چوپان و شبان را به پیامبری برنینگیخت. از آن حضرت سؤال شد شما چطور یا رسول‌الله؟ فرمود: «انا رعیتها لاهل مکه بالقراریط: من برای مردم مکه با دریافت قیراطهایی، چوپانی و شبانی کرده‌ام.» [۱۴]. «قراریط را جمع قیراط دانسته‌اند و آن، اجزایی از درهم و دینار، و پول سیم و زر است که با آن اشیای ناچیز و ارزان قیمت می‌خریدند. [۱۵] و به قولی: قیراط در بیشتر بلاد، نصف یک درهم است و در شام، یک بیست و چهارم. [۱۶]. و سويدبن سعید گفت: رسول‌الله هر گوسفند را به یک قیراط شبانی می‌کرد! [۱۷] ابراهیم حربی گفت: قیراط نام جایی است در مکه زیرا قیراط به عنوان پول سیم و زر در میان عرب، شناخته شده نیست و انگهی در برخی احادیث آمده است که آن حضرت فرمود: من برای خانواده‌ام به قیراطهایی شبانی کرده‌ام و عاداتا هیچ فردی برای شبانی خانواده‌اش دستمزد نمی‌گیرد. در برخی احادیث به جای «قراریط» آمده است و آن مؤید این است که قیراط نام جایی است نه پول سیم و زر. و از سویی دیگر، عرب جایی به نام قیراط نمی‌شناسد پس قطعا مراد از آن واژه، پول زر و سیم است پس شبانی برای خانواده نبوده بلکه برای مردم مکه بوده است و مؤید آن روایت بخاری است که: «كنت ارعاها ای الغنم علی القراریط لاهل مکه: من گوسفندچرانی می‌کردم بر قیراطهایی برای مردم مکه. [۱۸]. ابن حجر، میان آن احادیث که در برخی «بقراریط و در بعض دیگر «علی قراریط و در سومی «لاهل مکه و در چهارمی «غنم اهلی آمده است، به نحوی جمع کرده است. بدین بیان که او برای خانواده‌اش بدون دستمزد و اجرت و برای دیگران با دریافت مزد و اجر، شبانی می‌کرده است! و مقتضای جمع ابن حجر آن است که هر «نوع شبانی بی‌مزد و با دستمزد تحقق داشته است و چنین چیزی موقوف بر ثبوت نص و نقل در آن زمینه می‌باشد. [۱۹]. ابن جوزی می‌نویسد روایت شبانی محمد صلی الله علیه و آله برای مردم مکه را فقط بخاری از ابن هریره نقل کرده است و او در این باب منفرد است. و همان نکات مذکور درباره قیراط را آورده است. [۲۰]. استاد

مرتضی عاملی می‌نویسد: مورخان نوشته‌اند: محمدصلی الله علیه و آله در بنی سعد، شبانی کرده است و برای خانواده خود نیز دامداری فرموده است و نوشته‌اند برای مردم مکه هم چوپانی کرده است و حدیث بخاری را شاهد آورده‌اند اما ما در صحت قصه تردید داریم چون بعید است پیامبر در برابر مزدی که حتی پیرزنان بدان رغبت ندارند به شبانی بپردازد. اولاً: یعقوبی، نص و روایتی صریح در نفی اجیر شدن آن حضرت در طول زندگانی، آورده است. ثانیاً: متن روایات، که حکایت از یک واقعه می‌کنند اختلال و تناقض دارند و همین، سبب شده که علما در توجیه و تفسیر آن حدیث به دست و پا بیفتند و اگر سند آن حدیث‌های صحیح می‌بود می‌شد به آن توجیحات دل بست. استاد عاملی، وجود واژه‌هایی علی قراریط، بقراریط، لاهلی، لاهل مکه و اجیاد را دلیل اختلال و تناقض متن حدیث دانسته است. [۲۱]. بیهقی در این جا به حدیث دیگری پرداخته است مشعر بر این که رسول اکرم به امر اجیر شدن خود در جریان سفر شام اعتراف فرموده است. «آجرت نفسی من خدیجه سفرتین بقلوص: [۲۲] در دو سفر، خودم را اجیر خدیجه کردم به یک شتر جوان. [۲۳]. این حدیث علاوه بر تعارضش با نقل یعقوبی مبنی بر نفی اجیری رسول الله برای احدی به طور مطلق، تاریخ بیش از یک سفر با سرمایه خدیجه را یادآوری نمی‌کند وانگهی در سند، ربیع بن بدر واقع است و دانشمندان رجالی او را به شدت محکوم کرده‌اند. ابن حجر او را ضعیف دانسته است. ابن معین گفت: او چیزی نیست. قتیبه و ابوداود هم او را تضعیف کرده‌اند. نسایی حدیث او را متروک دانسته و جوزجانی حدیثش را سست شمرده است و ابوحاتم گفت: با حدیث او سرگرم نشوید و آن را رها کنید و ابن عدی گفت حدیث‌های او و روایات کسانی را که از او نقل حدیث می‌کنند پی نگیرید. [۲۴]. اما راجع به ابوهیره، بحثی باز نمی‌کنیم و خواننده را به کتابهای اضواء علی السنه المحمديه و شیخ المضره ابوهیره هر دو از استاد ابوریه دانشمند و نویسنده مصری، و کتاب ابوهیره از شرف الدین عاملی، ارجاع می‌کنیم. نکته جالبتر آن که یعقوبی آن جمله طلایی را درباره پیوند خدیجه با محمد صلی الله علیه و آله آورده است: «وانه ما کان مما یقول الناس انها استاجرته بشی [۲۵]: آنچه مردم گویند که خدیجه با مزدی، محمدصلی الله علیه و آله را اجیر گرفته بود، واقعیت ندارد. نتیجه آن که شبانی محمدصلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی به اقتضای محیط و شرایط زندگی، امری عادی می‌تواند باشد و حتی اجیر شدن پیامبری مثل موسی بن عمران کلیم الله نیز پذیرفتنی است لیکن در خصوص حضرت محمدصلی الله علیه و آله به نص کلام یعقوبی و با ملاحظه ضعف‌ها و تناقض‌های موجود در حدیثها، به ضرس قاطع می‌توان گفت که آن حضرت برای مردم مکه شبانی نکرده و اجیر نشده است و چنان نقلها، یاوه‌های نقالان و قصاص عصر اموی است که برای شکستن شخصیت محمدصلی الله علیه و آله توسط علم و دین به دنیا فروشان جعل و وضع شده است.

شبانی و رسالت

سومین نکته در احادیث شبانی پیامبران و اساسی‌ترین دیدگاه ما در این بحث، رابطه شبانی با رسالت و نبوت است که گویا چنان چیزی از شرایط پیامبری و از مقدمات ضروری آن بوده است! و برخی نویسندگان معاصر در آن زمینه قلمفرسایی و سعی کرده‌اند ساختار شخصیتی پیامبران و رسولان حق تعالی را در پرتو شبانی، توجیه کنند. آنان امر شبانی و چوپانی را چه از نظر خلوت‌گزینی و اندیشه و چه از جهت ابتلا به زبان بسته‌هایی که گردآوری آنها و سر و کله زدن با آنها صبر و حوصله فراوان لازم دارد به حیات معنوی و اخلاقی پیامبران ربط داده‌اند. حدیث: مروان بن مسلم از عقبه، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «ما بعث الله قط نبیا حتی یسترعیه الغنم یعلمه بذلك رعیه الناس: [۲۶] خداوند هیچ پیغمبری بر نینگیخت مگر آن که او را به شبانی و چوپانی گوسفندان واداشت تا بدان وسیله رعیت‌داری به ایشان بیاموزد. هیکل با در نظر گرفتن مجموعه احادیث شبانی می‌نویسد: آنچه محمدصلی الله علیه و آله را بیشتر از هر چیز به تفکر وامی‌داشت اشتغال او به گوسفندچرانی در دوران صباوت است که بعد از بعثت به غبطه از آن حالت یاد می‌کرد و خود را همانند موسی و داود علیهما السلام شبان می‌دانست زیرا چوپان گوسفندان، دلی ذکی

و روحی لطیف و با رافت دارد. در روزها به بیابانهای گسترده می‌نگرد و شبها به آسمانها نظاره می‌کند و با نگرش به ستارگان فروزان مجالی برای اندیشه می‌یابد. او به این عوامل و آیات می‌نگرد تا پشت‌سر آنها را ببیند و برای این جهان تفسیری پیدا کند... [۲۷]. در کتاب سیره حلبی در فلسفه شبانی، چنین می‌خوانیم: حکمت الهی ایجاب می‌کند که مرد وقتی به شبانی گوسفندان می‌پردازد از آن نظر که گوسفند ضعیفترین و پراکنده‌ترین بهایم است اقدام به چنان کاری، مایه آرامش و سکون دل می‌شود و قلب انسان مملو از لطف و مهر و رافت می‌گردد و چنان شخصی اگر از شبانی گوسفند به مردم‌داری و رعیت‌پروری بپردازد اولاً: حدت طبیعی در وجود او از بین می‌رود و ثانیاً: از ظلم و ستم‌گریزی فاصله می‌گیرد! پس او در معتدلترین حالات و عادلانه‌ترین وضع قرار می‌گیرد. [۲۸]. استاد سبحانی با در نظر گرفتن سخنان پیش‌کسوتان سیره و تاریخ‌نگاری، در این باب بیانی مفصلتر دارد. از جمله می‌نویسد: پیامبران بخشی از عمر خود را پیش از رسیدن به مقام نبوت در چوپانی و شبانی می‌گذراندند. مدت‌ها در بیابانها به تربیت حیوانات اشتغال می‌ورزیدند تا در طریق تربیت انسانها شکبیا و بردبار باشند و تمام مصایب و سختیها را آسان بشمارند زیرا اگر شخصی توانست دشواری‌های تربیت حیوان را که از نظر هوش و فهم با انسان قابل مقایسه نیست بپذیرد قطعاً خواهد توانست گمراهان را که شالوده فطرت آنان را ایمان به خدا تشکیل می‌دهد برعهده بگیرد. علت دیگر دوری از جامعه فاسد و منحط مکه و سومین دلیل فرصت مطالعه صفحه زیبای آسمان و اوضاع ستارگان است که برای او در شبانی میسر بود. [۲۹]. محمداقرا مجلسی در ضمن بحثی چنین می‌نویسد: به حکمت الهی، شبانی در زندگی پیامبران مقدمه‌ای قرار داده شده است تا آنان بتوانند بعداً راعی و شبان مردم باشند و امت‌ها، رمه ایشان به حساب آیند. [۳۰]. چنانکه ملاحظه می‌کنید از قدیمترین قرن اسلامی تاکنون غالب مورخان و سیره‌نگاران و نویسندگان هم‌اوا با یکدیگر شبانی را در زندگانی انبیای عظام و پیغمبران اسلام به همین دیدگاه نگریسته‌اند. برخی با ذکر متن حدیث و برخی دیگر با توضیح و بیان در صحت و درستی آن تردید نکرده‌اند و کمتر کسی بدین نکته توجه کرده که اگر پیامبران الهی و بویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صاحب خلق والا و صبر و شکیب و صلابت و استقامت و دیگر کمالات خلقی و رفتاری بوده‌اند همه آن کمالات در پرتو وحی و تعلیم و تربیت آسمانی بوده است و هرگز هیچ یک از آن کمالات نمی‌تواند به مساله شبانی مربوط باشد. سوگمندها باید گفت: دشمنان و بدخواهان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دورترین زمان یعنی عصر بعثت وقتی در ترور شخص آن حضرت ناکام ماندند به توهین و ترور شخصیت آن رسول عظیم‌الشان پرداختند و نسبتهای جنون، یتیمی تحقیرآمیز و آن جمله اشتغال به شبانی از آن قبیل تلاشهای مذبوحانه است. اشراف جاهلی مکه با طرح شبانی و ربط دادن آن به رسالت و نبوت به زعم خود خواستند خدشه بر شخصیت آن بزرگوار وارد سازند لیکن وجود مورخانی همچون یعقوبی و حضور دانشمندان متعهد و تحلیلگران آگاه در درازنای زمان که مانند صرافان ناقد، اصل از بدل و سره از ناسره بازمی‌شناسند جاده را برای محققان دوره‌های بعد هموار کردند و چنان زمینه مساعدی به وجود آمد که ما امروز می‌توانیم به سهولت در پرتو آن منابع و نصوص صحیح، قاطعانه نظر دهیم و غبار از چهره گرد گرفته تاریخ و سیره بزداییم. نتیجه آن که: اولاً: پیامبران به لحاظ با رسالت و پیامبری، شبان نبوده‌اند اگر چه طبیعتاً برهه‌ای از عمر شریفشان را در شبانی و چوپانی گذرانده‌اند. ثانیاً: پیامبر اکرم ما به شبانی اجیر کسی نشده و آن همه کمالات روحی و معنوی را در کلاس شبانی نیاموخته است بلکه چنان که در وصف امی بودن وی گفته‌اند او درس ناخوانده و استاد ندیده تربیت شده آسمانی و وحیانی بوده است، «کان امیا یؤدب» [۳۱] همچنین در زمینه اخلاق والا- و صبر و حوصله او باید گفت ادب و تربیت وحیانی کارساز بوده است و هر انسان شریفی از این آبشخور مقدس و پربرکت باید سیراب گردد هر چند که رسول و پیامبر نباشد. برآستی اگر دانشمندان، به جای بال و پر دادن به آن احادیث ضعیف و سخنان شعرگونه و تخیلی، در آیات قرآن می‌نگریستند منشا کمالات پیامبر را می‌جستند. «فبما رحمة من الله لنت لهم...» (آل عمران/۱۵۹): در اثر مهر و رحمت خداوندی تو برای آنان نرمخوی شدی. «وانک لعلی خلق عظیم (القلم/۴): حقا که تو صاحب خلقی بزرگ می‌باشی و در تفسیر آیه فوق گفته‌اند «کان خلقه القران یرضی برضاه و یسخط بسخطه: [۳۲] خلق و خوی

محمدصلی الله علیه و آله، خلق قرآنی بود راضی به رضای او و خشمگین به خشم و غضب قرآن بود. و اگر علاوه بر قرآن، آن زلال صافی معرفت و آگاهی، از نهج البلاغه امیرالمؤمنین بهره می‌بردند آنچنان ره گم نمی‌کردند. «خداوند از دوران شیرخوارگی بزرگترین فرشته از فرشتگان خود را همراه و همدم رسول الله صلی الله علیه و آله کرده بود که او را به راه بزرگواری‌ها می‌برد و اخلاق نیکوی جهانی به او می‌آموخت...» [۳۳]. بنابر آنچه گفته شد، چقدر این سخن سست و واهی است که پیامبران و رسول اکرم از رهگذر شبانی و گوسفندچرانی به مردمداری رسیده و از آن طریق به صبر و حوصله و دیگر کمالات اخلاقی و رفتاری دست یافته‌اند! به نظر نگارنده هر چند در اسرار آفرینش و تامل در آسمان و زمین و همه پدیده‌های هستی، امری است پسندیده و نکته‌ای است که قرآن به آن دستور داده است و محمدصلی الله علیه و آله شخصا، نخستین عامل به فرمانهای قرآن شریف بوده است لیکن رسالت و پیامبری را معلول تفکر و اندیشه بشری دانستن همان خط سیاه صهیونیسم و صلیبیان کینه‌ورز است که مستشرقان در اعصار اخیر آن را دنبال کرده و غرب‌زده‌های عالم اسلام هم مرعوب آنان شده و این چنین یاوه‌هایی را جعل کردند و مثل آنان مثل کسی است که زهر کشنده‌ای را در کپسولی خوش‌رنگ و معطر به خورد انسان بدهد. به صراحت باید گفت: رسالت محمدی صلی الله علیه و آله امری وحیانی و آسمانی است و کمالات اخلاقی و رفتاری آن پیامبر بزرگ، ارتباط مستقیم با وحی و ادب قرآنی داشته است و از آن جمله: تفکر و اندیشه و تعقل است و این دو نکته را از هم تفکیک باید کرد.

محمد اجیر قریش

در زمینه برخورد ناجوانمردانه مکیان مشرک با محمدصلی الله علیه و آله و رسالت و دعوت توحیدی او، گسترده و مستقل سخن باید گفت. اجمال قضیه آن است که دعوت توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای قریش بسیار سخت و سنگین بود زیرا کیان وجودی و شالوده نظام آنان را تهدید می‌کرد. آنان کوششهای فراوانی کردند تا محمدصلی الله علیه و آله را متقاعد کنند تا درباره بتهای آنها سخنی نگوید و کاری نکند و در برابر هر چه بخواهد برایش فراهم کنند غافل از آن که تکلیف الهی و فرمان حق تعالی، قابل معامله نیست و محمدصلی الله علیه و آله با صلابت و استواری به دعوت توحیدی خویش ادامه داد. قریش تا مرحله توطئه ترور شخص محمدصلی الله علیه و آله در دارالندوة، پیش رفتند ولی هجرت به مدینه آنان را در آن هدف شوم ناکام گذارد لیکن ترور شخصیتی همواره مورد توجه قریش بود. در این خصوص افسانه‌های غرائب نمونه‌ای شایسته توجه است، که مشرکان از آن، طرفی نیستند و خداوند متعال طی آیاتی، مشت آنان را باز کرد ولی سفیانیان و اخلافشان همان خط را دنبال کردند. بویژه، چنان که خاطر نشان کردیم، در دوره شکل‌گیری تاریخ مکتوب عالمان بدکردار و درباریان اموی و مروانی نهایت خدمت را به ولینعمتان خود کردند و در کنار اسناد جنون‌قصدی‌هایی پرداختند و در واقع به بازسازی آن اقدامی مجدد کردند و موضوع یتیمی را برخلاف واقعیات، افسانه‌ای ساختند و دروغهایی در لابلای قصه آوردند و از آن جمله، شبانی را به صورت اصلی موضوعی در رسالت، قلمداد کردند و سطح پیامبری را پایین آوردند و تا آن جا پیش رفتند که محمدصلی الله علیه و آله یتیم و بینوا بوده در هیات شبانی برای اشراف و ثروتمندان مکه چوپانی می‌کرده تا زندگی خود را بگذرانند! در حالی که اولاد: در مکه خشک و سوزان، دامداری هیچ‌گاه به عنوان حرفه و شغل متداول نبوده و نیست. و ثانیاً: عمده‌ترین کار مکیان تجارت بود که در سال دو سفر به شام و یمن می‌کردند یکی در تابستان و دیگری در زمستان. و کار ابوطالب هم همین بوده و خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم پس از رشد و بلوغ دو سفر تجارتي به شام کرد، و همانند مکیان از راه دادوستد و بازرگانی اعاشه می‌کرده است پس شغل شبانی در کجای حیات محمدصلی الله علیه و آله قرار دارد؟ آن هم در خدمت مشرکان مکه! منشا این داستان جز حقد و کین قریش مشرک نمی‌تواند باشد که به بهانه یتیمی محمدصلی الله علیه و آله و ثروتمند نبودن او اولاد ابوسفیان خواستند شخصیت رسالی او را بشکنند و او را اجیر و مواجب‌بگیر خود قلمداد کنند. زهی تلاش مذبح‌خانه! در نفی چنان امری دو بیان صریح یعقوبی که با اصول هم

سازگار است کافی است علاوه بر آن که روایات شبانی سخت آشفته است و قراین دیگر هم چنان امری را به ویژه در بعد سوم و چهارم آن به شدت نفی می‌کند.

پاورقی

- [۱] سعید بن هبة الله قطب راوندی، قصص الانبياء، ص ۱۰۶، چاپ نخست ۱۴۰۹ ق مشهد.
- [۲] همان، ص ۲۸۴.
- [۳] محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۴. مؤسسه الوفاء، بیروت.
- [۴] فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۴۱، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق بیروت.
- [۵] بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۲۶.
- [۶] ابو جعفر محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۴۲، دارالکتب الاسلامیه، تهران، و درباره قصه شق صدر نک: آینه پژوهش، شماره دهم، مقاله نگارنده.
- [۷] بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۱۸۴.
- [۸] همان، ص ۱۹۴.
- [۹] محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۱۵، دار احیاء التراث.
- [۱۰] نک: سوره قصص، آیه‌های ۲۳-۲۹ و ایضا: قصص الانبياء ص ۱۴۸-۱۵۲.
- [۱۱] نک: سوره فرقان، آیه‌های ۷ و ۲۰.
- [۱۲] احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
- [۱۳] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱.
- [۱۴] بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۶۵، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- [۱۵] ابن ماجه قزوینی، سنن، ج ۲، ص ۷۲۷.
- [۱۶] همان، تعلیقه محقق کتاب.
- [۱۷] علی بن برهان الدین، السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۵.
- [۱۸] صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۱۵.
- [۱۹] السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۶.
- [۲۰] ابوالفرج عبدالرحمان ابن الجوزی، صفة الصفوة، ج ۱، ص ۲۳، حیدرآباد هند، ۱۳۸۸ ق.
- [۲۱] جعفر مرتضی‌العاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۱۰۸، چاپ نخست.
- [۲۲] دلائل النبوة بیهقی، ج ۱، ص ۶۶.
- [۲۳] نک: معجم و سبط، ماده قلص.
- [۲۴] ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۰ و ۲۳۹.
- [۲۵] تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱.
- [۲۶] علی بن محمد صدوق، علل الشرایع، ص ۳۲، دار احیاء التراث، ۱۳۸۵ هق، نجف. و نک: بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۶۵ و سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۶۵.
- [۲۷] نک: محمد حسنین هیکل، حیاة محمد صلی الله علیه وآله، ص ۸۰، سال ۱۳۵۴، قاهره.

[۲۸] السیره الحلیه، ج ۱، ص ۱۲۶.

[۲۹] جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، قم، ۱۳۶۳؛ ص ۱۸۸؛ ناگفته نماند قسمت اخیر سخنان استاد فشرده نقل شد.

[۳۰] بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۱۱۷.

[۳۱] السیره الحلیه، ج ۱، ص ۱۲۷.

[۳۲] ابوالفضل قاضی عیاض، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، ص ۹۶، دارالفکر، بیروت.

[۳۳] سید شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه قاصعه ۱۹۲، صبحی صالح، بیروت.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

